

عراق، آینه پیوند تاریخی ایران و جهان اسلام

روابط ایران با کشورهای اسلامی، به‌ویژه کشورهای غرب آسیا و جنوب آسیا، سابقه‌ای طولانی و چندلایه دارد؛ رابطه‌ای که تنها به دیپلماسی رسمی محدود نمی‌شود، بلکه ریشه در تاریخ، دین، فرهنگ، اقتصاد و امنیت منطقه دارد. طی بیش از ۱۰ قرن گذشته، رویدادهای مهمی که در یکی از این کشورها رخ داده، به‌صورت مستقیم یا غیرمستقیم بر دیگر کشورها اثر گذاشته است. انقلاب اسلامی ایران نیز بنا بر ماهیت و رسالت خود، در جهت تقویت و تعمیق همکاری‌ها و مبادلات میان کشورهای اسلامی حرکت کرد و در این مسیر، دستاوردهای مهمی به‌دست آورد. یکی از مهم‌ترین نتایج این روند، شکل‌گیری و تقویت جبهه‌ای شناخته‌شده و اثرگذار در منطقه با عنوان «محور مقاومت» بود؛ جراینی که در برابر سلطه‌طلبی غرب در منطقه ایستاده و امروز نیز یکی از مؤثرترین واقعیت‌های سیاسی خاورمیانه به‌شمار می‌رود.

در یک سال گذشته، جنگ مشترک آمریکا و اسرائیل علیه ایران، بار دیگر نشان داد که ایران کشوری منزوی یا جدا افتاده از جهان اسلام نیست. برعکس، هراقدام علیه ایران بر معادلات منطقه‌ای اثر می‌گذارد و واکنش‌های گسترده‌ای را در میان ملت‌ها و دولت‌های مسلمان برمی‌انگیزد. به همین دلیل یکی از خطاهای اصلی دشمنان ایران، نادیده گرفتن همین پیوندهای عمیق و تاریخی است.

در میان همه کشورهایی که ایران با آنها روابط گسترده و ریشه‌دار دارد، عراق جایگاهی ویژه و استثنایی دارد. ایران و عراق در بخش بزرگی از تاریخ خود، عملاً بدون مرزهای سخت و فاصله‌گذار زندگی کرده‌اند و تنها در دوره پهلوی بود که تلاش شد میان دو کشور مرزبندی سخت‌تری ایجاد شود. با این‌حال آن سیاست‌ها نیز نتوانستند پیوندهای تاریخی، مذهبی و مردمی دو ملت را از میان ببرند.

پس از پیروزی انقلاب اسلامی، همین پیوندهای تاریخی به‌درستی در محاسبات سیاسی دیده شد. از نگاه بسیاری از تحلیل‌گران، عراق یکی از محتمل‌ترین صحنه‌ها برای گسترش الگوی انقلاب اسلامی بود و همین نگرانی، یکی از زمینه‌های تحمیل جنگ هشت ساله بر ایران شد. اما آن جنگ نیز نتوانست عمق پیوند میان دو ملت راز بین ببرد.

ملت عراق به‌دلیل پیشینه اعتقادی، فرهنگی و عاطفی خود، همواره نسبت به ایران حساس و نزدیک بوده است؛ از همین رو، پس از سقوط دولت دست‌نشانده عراق، بار دیگر زمینه‌های همکاری میان دو کشور آشکار شد. امروز نیز با وجود تلاش‌های نظام سلطه برای ایجاد فاصله میان تهران و بغداد، واقعیت‌های اجتماعی و مردمی نشان می‌دهد که این پیوند از بین رفتنی نیست.

تشییع باشکوه رهبر شهید در نجف و کربلا که با حضور گسترده مردم عراق همراه شد، یکی از روشن‌ترین نشانه‌های این همدلی تاریخی بود. این مراسم فقط یک آیین مذهبی نبود، بلکه رخدادی سیاسی و فرهنگی با پیامدهای منطقه‌ای به‌شمار می‌رفت؛ رخدادی که نشان داد پیوند ایران و عراق هنوز هم می‌تواند معادلات آینده منطقه را تحت تأثیر قرار دهد.

آنچه در نجف و کربلا دیده شد، برای بسیاری از ناظران جهانی غیرمنتظره بود؛ زیرا سال‌ها برای فاصله انداختن میان دو ملت کار شده بود اما استقبال عراق از این مراسم نشان داد که حافظه تاریخی ملت‌ها رانمی‌توان به‌سادگی حذف کرد. این حضور پرشور، هم نشانه همدلی با ایران بود و هم پیامی روشن به دشمنان منطقه‌ای و فرمانطقه‌ای که هنوز واقعیت قدرت اجتماعی و اعتقادی ایران و متحدانش را به‌درستی درک نکرده‌اند. در یک جمع‌بندی می‌توان گفت آنچه در عراق رخ داد، فقط بدرقه یک شخصیت نبود، بلکه نمایش عینی عمق پیوندهای ایران و عراق و نیز نشانه‌ای از تقویت روحیه مقاومت در منطقه بود. این رویداد بار دیگر ثابت کرد که روابط ایران با جهان اسلام، به‌ویژه با عراق، نه‌فقط یک موضوع دیپلماتیک، بلکه بخشی از تاریخ زنده و مداوم پاینده منطقه است.

همین روند در نهضت مشروطه نیز ادامه یافت. آخوند ملاکاظم خراسانی، میرزا عبدالله مازندرانی و میرزا حسین تهرانی که همگی در نجف اقامت داشتند، از مهم‌ترین حامیان مشروطه ایران بودند. تلگراف‌ها و بیانیه‌های آنان از نجف به تهران، تبریز و دیگر شهرهای ایران می‌رسید و بر روند تحولات سیاسی اثر می‌گذاشت. یکی از مهم‌ترین رویدادهای تاریخ معاصر عراق، قیام «نوره العشرین» یا انقلاب بزرگ عراق در سال ۱۹۲۰ میلادی علیه اشغالگران انگلیسی بود. در رأس این خیزش عمومی، علمای ایرانی حوزه‌های علمیه عراق از جمله میرزا محمدتقی شیرازی (میرزای دوم)، شیخ الشریعه اصفهانی، محمدحسین نائینی و سیدابوالحسن اصفهانی قرار داشتند. این قیام به پایه‌گذاری نخستین حکومت اسلامی در کربلا انجامید.

■ معاودین: اخراج ایرانیان از عراق

اگر قاجار را دوران تثبیت این پیوندها بدانیم، نیمه دوم قرن بیستم را باید دوران آزمون بزرگ این روابط نامید؛ آزمونی که با روی کار آمدن حزب بعث عراق، شکل دیگری به خود گرفت. رژیم بعث با تکیه بر ایدئولوژی ناسیونالیسم عربی، به تدریج فشار بر شیعیان و به‌ویژه ایرانی‌تباران مقیم عراق را افزایش داد. هزاران خانواده که برخی از آنان نسل‌ها در نجف، کربلا، کاظمین و بغداد زندگی کرده بودند، ناگهان «بیگانه» تلقی شدند. در دوران رژیم بعث عراق (به‌ویژه احمد حسن البکر و صدام)، هزاران ایرانی مقیم عتبات به بهانه‌های سیاسی اخراج شدند. علی آقاچانی در «اخراج ایرانیان از عراق» (مرکز اسناد انقلاب اسلامی، ۱۳۸۴) مستند می‌کند که از سال ۱۳۴۸ شمسی، فشارها آغاز شد و در ۱۳۵۰ شدت گرفت. بیش از ۶۰ هزار نفر (و بعدها ده‌ها هزار نفر دیگر) اخراج شدند، اموال‌شان به مصادره درآمد و بسیاری در شرایط سخت به مرز ایران رسیدند. این افراد «معاودین» (باگشتگان) نامیده شدند.

امام خمینی (ره) از آنها حمایت کرد و در پیام‌هایی ایشان را «مهمانان عزیز» خواند. این رویداد تلخ، نشان‌دهنده عمق نفوذ ایرانیان در جامعه عراق (به‌ویژه شهرهای مقدس) بود که رژیم بعث آن را تهدید می‌دید. با این‌حال، پس از انقلاب، ایران از معاودین استقبال کرد و آنها در تقویت روابط نقش بسزا داشتند.

■ جنگ تحمیلی و فراتر از آن: یاری متقابل

جنگ هشت‌ساله ایران و عراق، بدون تردید تلخ‌ترین فصل روابط دو کشور در دوران معاصر است. جنگی که صدها هزار کشته و مجروح، شهرهای ویران و خاطراتی تلخ برجای گذاشت. اما برای فهم تاریخ روابط دو ملت، نباید حکومت بعث را با جامعه عراق یکی دانست؛ همان‌گونه که بسیاری از مورخان نیز بر این تمایز تأکید کرده‌اند. حکومت صدام حسین، پیش از آن‌که دشمن ایران باشد، بسیاری از نبروهای مذهبی و شیعی عراق را نیز تحت فشار قرار داده بود. اعدام علما، محدودکردن فعالیت حوزه نجف، سرکوب احزاب شیعی و اخراج هزاران خانواده ایرانی‌تبار، بخشی از سیاستی بود که جامعه عراق نیز هزینه‌ان را پرداخت. با این وصف باید میان «روابط دولت‌ها» و «روابط ملت‌ها» تمایز قائل شد. سرمایه‌های اجتماعی و فرهنگی، بسیار عمیق‌تر از آن هستند که با یک جنگ یا یک تغییر حکومت از میان بروند. حوزه‌های علمیه، خانواده‌های مشترک، سنت زیارت و شبکه‌های تاریخی تجارت، نوعی سرمایه اجتماعی مشترک میان ایران و عراق ایجاد کرده بود که حتی در سال‌های جنگ نیز به‌طور کامل از بین نرفت. با سقوط حکومت بعث در سال ۱۳۸۲، آنچه طی دهه‌های فشار سیاست قرار گرفته بود، بار دیگر مجال ظهور پیدا کرد. راه زیارت عتبات باز شد و میلیون‌ها ایرانی پس از سال‌ها توانستند آزادانه به نجف و کربلا سفر کنند.

هیچ پدیده‌ای به اندازه راهپیمایی اربعین نتوانسته این سرمایه تاریخی را در مقیاسی بزرگ به نمایش بگذارد. امروز میلیون‌ها ایرانی و عراقی در مسیری بگذارد. امروز میلیون‌ها ایرانی و عراقی در مسیری واحد گام برمی‌دارند، مسیری که قرن‌ها پیش محل رفت‌وآمد کاروان‌های زیارتی بود. تفاوت تنها در شمار زائران و امکانات حمل‌ونقل است؛ اصل ارتباط، ریشه در سنتی دیرینه دارد. از همین منظر است که استقبال مردم عراق از شخصیت‌های ایرانی یا حضور آنان در آیین‌های مختلف، بیش از آن‌که یک واکنش سیاسی مقطعی باشد، بازتاب حافظه‌ای تاریخی است. این حافظه، حاصل قرن‌ها رفت‌وآمد زائران، مهاجرت علما، تجارت مشترک، وقف، همسایگی، خویشاوندی و آموزش در حوزه‌های علمیه است. شاید به همین دلیل باشد که هرگاه حادثه‌ای بزرگ در یکی از دو کشور رخ می‌دهد، پیش از آن‌که سیاست‌سازن سخنی بگویند، حافظه تاریخی خود را نشان می‌دهد؛ حافظه‌ای که یادآور می‌شود پیوند ایران و عراق، بیش از آن‌که بر نقشه‌های سیاسی استوار باشد، بر تجربه‌مشترک مردم‌ای بنا شده است که قرن‌ها در کنار یکدیگر زیسته‌اند، از یکدیگر آموخته‌اند، با یکدیگر سوگواری کرده‌اند و در روزهای سخت، دست یاری به سوی هم گشوده‌اند.

■ موزه

بازگشایی موزه گرافیک بعد از یک وقفه طولانی

موزه گرافیک ایران که به‌دلیل جنگ رمضان و حمله آمریکایی- صهیونی به ایران تعطیل شده بود، مجدداً بازگشایی شد. به گزارش مهر، موزه گرافیک ایران که به‌دلیل شرایط جنگی در کشور و حمله وحشیانه آمریکایی- صهیونی به ایران تعطیل شده بود مجدداً بازگشایی شد. بر این اساس، هم‌زمان با دهمین سال استقرار موزه گرافیک در عمارت ارباب هرمز، دونهمایشگاه برپاست:نمایشگاه اول «چهارمین نمایشگاه تاریخ طراحی گرافیک معاصر ایران» باتمرکز پز آثار دهه ۴۰ و اسناد کمتر دیده‌شده ونمایشگاه دوم، «۱۰۰ سال موزه، ۱۰۰ اثر» در گالری حوضخانه است. نمایشگاه ۱۰۰ سال موزه، ۱۰۰ اثر شامل آثار چاپی ناب و آرت‌ورک‌هایی از گنجینه موزه است که روایتی از دو دهه تلاش برای حفظ میراث گرافیک ایران را نشان می‌دهد. موزه گرافیک ایران از یکشنبه تا پنجشنبه میزبان علاقه‌مندان است.



ایران وعراق فراتر از جغرافیا

پیوند ایران و عراق، بیش از آن‌که بر نقشه‌های سیاسی استوار باشد، بر تجربه مشترک مردمانی بنا شده است که قرن‌ها در کنار یکدیگر زیسته‌اند

تاریخی و حوزه‌های علمیه به‌وضوح دیده می‌شود. تداخل اقوام، عشایر مرزی و مهاجرت‌های گروهی، لایه دیگری به این پیوندها افزوده است.

برای بسیاری از ایرانیان، راه نجف و کربلا، راهی به سوی یک سرزمین کاملاً بیگانه نبود. قرن‌ها پیش از شکل‌گیری دولت‌های مدرن، کاروان‌هایی از شهرهای مختلف ایران راهی عتبات می‌شدند؛ از تبریز و اردبیل گرفته تا تهران، کاشان، اصفهان، یزد، شیراز، کرمان، همدان و شهرهای غرب کشور.

این رفت‌وآمد تنها سفر زیارتی محسوب نمی‌شد. هر کاروان حامل مجموعه‌ای از ارتباطات انسانی بود؛ طلبه‌ای که برای تحصیل علوم دینی می‌رفت، تاجری که برای دادوستد راهی عراق می‌شد، خانواده‌ای که برای سکونت در جوار حرم‌های اهل بیت(ع) مهاجرت می‌کرد و هنرمندی که در ساخت و تزئین اماکن مذهبی مشارکت داشت.

در نتیجه، به تدریج گروه‌های بزرگی از ایرانیان در شهرهای عتبات ساکن شدند.

رسول جعفریان در «تاریخ تشیع در ایران» می‌نویسد که پس از گسترش تشیع در ایران، ارتباط حوزه‌های علمی ایران با مراکز علمی عراق افزایش یافت و بسیاری از دانشمندان ایرانی، بخش مهمی از زندگی علمی خود را در نجف و دیگر شهرهای مذهبی عراق سپری کردند.

این مهاجرت علمی، فقط یک جابه‌جایی فردی نبود؛ بلکه شبکه‌ای از خانواده‌ها، مدارس، کتابخانه‌ها، بازارها و نهادهای اجتماعی را شکل داد.

■ قاجار: دوره تثبیت حضور ایرانیان در عراق

اگرچه ایرانیان در عراق پیشینه‌ای دیرینه‌تر دارند، اما دوره قاجار را باید یکی از مهم‌ترین دوره‌های گسترش این حضور دانست. در این دوران، ارتباط میان ایران و عتبات به‌اوج رسید.

ضعف ساختار اداری عثمانی در برخی مناطق، رونق تجارت منطقه‌ای، افزایش سفرهای زیارتی و اهمیت روزافزون حوزه‌های علمی نجف و کربلا باعث شد جمعیت ایرانیان مقیم عراق افزایش پیدا کند. مراجعه به کتاب‌های سفرنامه‌نویسان نشان می‌دهد که ایرانیان در عراق تنها زائر نبودند؛ آنان بخشی از جامعه شهری نجف و کربلا محسوب می‌شدند. در برخی محله‌ها، زبان فارسی در کنار عربی رایج بود. بسیاری از خاندان‌های علمی، تجاری و مذهبی، ریشه‌هایی در شهرهای ایران داشتند و روابط خانوادگی میان دو سوی مرز شکل گرفته بود. عبدالحسین نوایی در کتاب «ایران و جهان؛ از صفویه تا پایان قاجاریه»، با استناد به اسناد وزارت امور خارجه قاجار، نشان می‌دهد که دولت ایران ناچار بود برای رسیدگی به امور هزاران ایرانی مقیم نجف و کربلا، شبکه گسترده‌ای از کنسولگری‌ها و نمایندگی‌های سیاسی ایجاد کند. این اسناد از خرید و فروش املاک، ثبت ازدواج، دعای حقوقی، ارث، تجارت و حتی رسیدگی به اختلافات خانوادگی ایرانیان در عتبات سخن می‌گویند؛ موضوعی که نشان می‌دهد جامعه ایرانی مقیم عراق، جامعه‌ای ریشه‌دار و پایدار بوده است. نه صرفاً جمعی از زائران موقت. هرچند در نگاه نخست، روابط ایران و عراق با چهره‌ای مذهبی شناخته می‌شود، اما نباید از تأثیر شگرف اقتصاد در پی‌ریزی این ارتباط دیرینه غافل ماند. بازارهای نجف و کربلا در دوره قاجار،



تشییع باشکوه رهبر شهید انقلاب اسلامی ایران در خاک عراق و حضور پرشور میلیون‌ها نفر از مردم کربلا، نجف، کاظمین و دیگر نقاط این کشور، نه‌تنها یک رویداد معاصر، بلکه تجلی زنده‌ای از پیوندهای عمیق تاریخی، مذهبی، فرهنگی، اجتماعی، اقتصادی و سیاسی میان دو ملت همسایه است. این استقبال گرم، ریشه در سابقه‌ای چندصدساله دارد که جنگ تحمیلی هشت‌ساله (۱۳۶۷- ۱۳۵۹ شمسی) نیز نتوانست آن را نابود کند. مردم ایران و عراق، به‌رغم اختلافات سیاسی مقطعی، همواره بر پایه اشتراکات مشترک به یکدیگر یاری رسانده‌اند.



فتاح غامی دبیر گروه فرهنگ و هنر

■ ریشه‌های تاریخی و فرهنگی: از قاجار تا عتبات عالیات

روابط ایران و عراق ریشه در دوران پیش از اسلام و به‌ویژه پس از فتح اسلامی دارد، اما پیوندهای سازمان‌یافته مدرن از دوره قاجار شدت گرفت.

عبدالحسین زرین‌کوب در کتاب «روزگاران» با اشاره به پیوندهای دیرینه ایران و سرزمین بین‌النهرین، تأکید می‌کند که مناسبات فرهنگی ملت‌ها بسیار عمیق‌تر از تغییرات سیاسی است. از نگاه او، تاریخ تمدن‌ها را نمی‌توان صرفاً براساس مرزهای حکومت‌ها نوشت؛ زیرا زبان، فرهنگ، اندیشه و سنت‌های اجتماعی مسیرهایی را می‌پیمایند که گاه از مرزهای سیاسی عبور می‌کنند. سیدعلی موجانی در کتاب «مناسبات فرهنگی و اجتماعی دو قرن اخیر ایران و عراق» (انتشارات بین‌المللی الهدی، ۱۴۰۲) تأکید می‌کند که این مناسبات از دوره قاجاریه در ایران وسال‌های پایانی حکومت ممالیک در عراق آغاز شد. حضور علمای برجسته شیعی

در عتبات عالیات (نجف، کربلا، کاظمین و سامرا) و زائران ایرانی، محور اصلی این روابط بوده است. همین نگاه در آثار رسول جعفریان نیز دیده می‌شود. او در کتاب «اطلس شیعه» توضیح می‌دهد که عتبات عالیات در طول تاریخ تشیع، بخشی از یک شبکه گسترده علمی و مذهبی بوده‌اند که ایران یکی از مهم‌ترین عناصر آن را تشکیل می‌داده است. نجف و کربلا نه‌فقط محل زیارت، بلکه مراکز تولید دانش، تربیت عالم، شکل‌گیری جریان‌های فکری و ارتباط اجتماعی میان جوامع مختلف شیعی بوده‌اند.

مرتضی مدرسی چهاردهی در کتاب «تاریخ روابط ایران و عراق» (کتابفروشی فروغی، ۱۳۵۱) به بررسی جامع روابط سیاسی، فرهنگی و اقتصادی از فروپاشی عثمانی و شکل‌گیری دولت عراق مدرن می‌پردازد و نشان می‌دهد چگونه عتبات به‌عنوان کانون مشترک مذهبی، نقش پل ارتباطی را ایفا کرده‌اند.

در عصر فتح‌علی‌شاه قاجار، عتبات عالیات نه‌تنها مرکز زیارتی بلکه موضوع مهمی در مناسبات ایران و عثمانی بود. زائران ایرانی و حمل‌جنازه‌ها به عراق، جریان اقتصادی ایجاد می‌کرد و شاه قاجار برای حمایت از شیعیان و علما، اقدامات دیپلماتیک متعددی انجام داد. کتاب «عتبات عالیات در روابط ایران و عثمانی قرن نوزدهم» (رسول عرفانی) جزئیات این تعاملات را با تأکید بر عصر عبدالحمید دوم عثمانی توصیف می‌کند. زائران ایرانی در رونق اقتصادی شهرهای مقدس نقش کلیدی داشتند و این حضور، فرهنگی و اجتماعی عمیق ایجاد کرد.

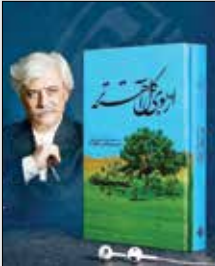
زبان فارسی نیز در عراق حضوری دیرینه داشته و رد آن در متون

■ کتاب

انتشار کتاب صوتی با صدای سید مهدی شجاعی

کتاب صوتی «از بوی گل آهسته‌تر» اثر سیدمهدی شجاعی منتشر شد. به گزارش ایسنا، این کتاب در ۱۱ ساعت با خوانش سیدمهدی شجاعی در انتشارات نیستان ضبط شده و در اختیار علاقه‌مندان قرار گرفته

است. در معرفی این اثر آمده است: «چقدر از آنچه می‌دانیم به‌ما گفته شده راست است و حقیقت؟ امام سجاد(ع) در کربلا و عاشورا و بعد از آن کجا بوده و چه می‌کرده؟ تعاملاتش، توافقاتش، تعارضاتش با حکومت وقت چگونه بوده؟ اگر مشتاق آگاهی و طالب دانایی هستیید حتماً به «حماسه سجادیه» به قلم سیدمهدی شجاعی رجوع کنید؛ حماسه سجادیه‌ای که پژوهش آن سال‌ها به طول انجامیده و نگارشش هنوز به پایان نرسیده است.



کاریکاتور کمال شرف با موضوع رفتار خصمانه سعودی‌ها

کمال شرف اثر کارتونی جدیدش را مرتبط با رفتار خصمانه عربستان سعودی و حمله به یمن ترسیم کرد.

به گزارش مهر، کمال شرف کارتونیست اهل یمن که در جبهه مقاومت فعال است و هفته گذشته نیز برای مراسم وداع و تشییع رهبر شهید انقلاب در ایران به سر می‌برد، نسبت به حمله خصمانه عربستان سعودی به کشورش یمن واکنش نشان داد. پس از حمله هوایی عربستان به فروگاه صنعا و هوپیمایی ایرانی که نقض آشکار حقوق بین‌الملل و منشور ملل متحد و بی‌حرمتی به حاکمیت ملی و تمامیت سرزمینی یمن است. کمال شرف این اثر را منتشر کرد که رفتار دوگانه و تأثیرپذیری سعودی‌ها از رژیم صهیونیستی را نشان می‌دهد.

